

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

فرستنده: جهانگیر

۱۳ جون ۲۰۱۱

دوازدهم جون روز جهانی لغو کار کودک: همبسته و پیوسته، همصدا و همگام، نه به کار کودک، آری به حق کودکی!

دوازدهمین سالگرد این روز تاریخی و بزرگ را به تمامی تلاشگران کمپین دفاع از حق کودکی و جنبش لغو کار کودک، به ویژه به همکار، آموزگار و برادر عزیزم کایلایش ساتیراتی، بنیان گذار رژه جهانی علیه کار کودک، تبریک می‌گویم.

* * *

دوازده سال پیش در چهارم جون ۱۹۹۹، شخصا افتخار این را داشتم که هم پای قدم‌های مصمم شانزده نفر از کارگران کوچک، اسپارتاکوس‌های معاصر، با شعارهای «بسه دیگه کار کودک»، «بچه‌ها تحصیل و شادی می‌خواهند»، «بسه دیگه دست‌های کوچک زخمی و کمرهای تا شده از کار»، «بسه دیگه استثمار»، وارد سالن محل برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار شوم. و شاهد تصویب مقاله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار، مبنی بر ممنوعیت کار پُر مخاطره کودکان باشم. این کودکان، که به نمایندگی از طرف سیصد کودک کارگر دیگر که در سال ۱۹۹۸، هشتاد هزار کیلومتر را دور جهان راهپیمایی کرده بودند - رژه جهانی علیه کار کودک که از پاکستان شروع و پس از راهپیمایی در اکثر شهرهای جهان به ژنو ختم شد - در قطع‌نامه‌ای که با دستان کوچک خود نوشته و با خط‌های کج و معوج کودکانه و با تصویر گل و ستاره امضاء کرده بودند، خواهان لغو بی‌درنگ کار کودکان شده بودند؛ و تحصیل رایگان و اجباری با کیفیت بالا را جایگزین آن می‌خواستند؛ و... متعاقب این حرکت، سازمان جهانی کار روز دوازدهم جون را - پس از اتمام اجلاس سالیانه مزبور و به تصویب رساندن این مقاله - روز جهانی لغو کار کودکان نام‌گذاری کرد.

سازمان جهانی کار (آی. ال. او) در آخرین گزارش سالیانه خود، جون ۲۰۱۱، خبر از حضور صد و پانزده میلیون کودک کار در عرصه‌های کار پُر مخاطره می‌دهد و در گزارش ماه فیروری، که به گزارش «آبی رنگ» (blue rapport) معروف است، به عمق و مشقت استفاده از کار کودکان در عرصه کار خانگی، به همراه زنان، می‌پردازد و به جهانیان در این باره هوشدار می‌دهد. «گلوبال مارش» (رژه جهانی علیه کار کودک)، نیز در

کنفرانس ماه می خود به کارگران کوچک خانگی پرداخته است و همزمان با شروع اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار، خواهان تصویب مقوله نامه و تبصره ویژه ای در این مورد شده و جایگزینی کار کودکان با کار جوانان و والدین بیکار را خواستار گردیده است.

در متن رویدادهای اخیر جهان، وسعت گرفتن مبارزات اجتماعی در کشورهای تونس، لیبیا، یمن، بحرین، سوریه، هر چند نام بردن از مقوله کار کودکان کمتر شده است، اما تعداد هر چه بیشتری از کودکان نه تنها از یک سو قربانی خشونت‌های پولیس و نیروهای سرکوبگر گشته‌اند (زشت‌ترین و پلیدترین این گونه خشونت‌ها، بلای بود که پولیس سوریه بر سر یک کودک سیزده ساله آورد و او را مثله کرد)، بلکه از سوی دیگر با گسترش دایره فقر، بیشتر و بیشتر به کار در شرایطی سخت و خطرناک مجبور شده‌اند.

اکنون، پس از گذشت دوازده سال، و به نحس تحریف‌های تاریخی که خاص نظام سرمایه‌داری است، کمتر اسمی از مبداء و منشأ و علت تصویب این مقوله نامه - که همان جنبش عظیم و اجتماعی لغو کار کودکان، با حضور مؤثر خود آنان، است - به میان آورده می‌شود. به عکس، مسأله طوری در سطح رسانه‌ها مطرح می‌شود، که گویا این دولت‌های حافظ سرمایه و سازمان جهانی کار بوده‌اند که از سر کودک دوستی چنین «شاهکاری» زده‌اند. این گونه رسانه‌ها، کلامی از اجبار دولت‌های حافظ سرمایه و سازمان جهانی کار در مقابل تلاش و فشار سیندرلای پرولتاریا (کودکان کارگر) و فعالان و نهادهای حامی آن‌ها به میان نمی‌آورند. دولت‌هایی مانند جمهوری اسلامی هم در این میان، از یک طرف بی‌شرمانه در باره حق کودکان ژاژخائی می‌کنند و از طرف دیگر تلاش‌گران واقعی این عرصه را تحت فشار، پیگرد، دستگیری و زندان قرار می‌دهند.

به یمن جنبش اجتماعی و زنده لغو کار کودک، امروز دیگر مانند سال‌های پایانی قرن گذشته و شروع قرن جدید، با کمبود اطلاع در مورد مقوله کار کودکان مواجه نیستیم. مشکل، تحریف و دستکاری این هدف و گذاشتن تبصره و اما و اگر بر سرخواست‌های مطرح شده و به تصویب رسیده این جنبش است. بحران اقتصادی اخیر سرمایه‌داری، بار دیگر کار کودکان را به دستور روز سرمایه‌داران به مثابه کار ارزان - و حتا مجانی - تبدیل کرده است. این که سرمایه‌داری سال‌هاست از کل طبقه کارگر و به این اعتبار فرزندان این طبقه بهره‌کشی می‌کنند، قدمتی تاریخی دارد؛ اما این که تلاش‌گران این عرصه درست در زمانی که ابعاد این فاجعه انسانی - یعنی نان در آوردن و پول به جیب زدن از قبیل به انقیاد کشاندن جان‌های کوچک، گلوهای نازک و دستان خرد، به تقلیل خواسته‌هاشان در این مورد بپردازند، جدید است و فهمیدنی نیست. متأسفانه این کاری است، که بعضی از فعالان این عرصه می‌کنند:

صرف تشکیل کلاس درس در محیط کار و دو، دو تا، چهار تا آموختن به کودکان کار، به عوض خواست لغو کار کودک و خواهان تحصیل رایگان و اجباری و با کیفیت بالا شدن برای آنها، یکی از این کارهاست؛ تطبیق خود با موازین دولت‌ها به صرف حفظ آن. جی. او. ها، به عوض راه انداختن جنبش اجتماعی و مردمی علیه پدیده کار کودک، موردی دیگر از این کارهاست. تلاش برای احقاق حق کودکی و لغو کار کودک، تحت هر شکل و نامی که صورت بگیرد، خالی از مخاطره نیست. در جایی تلاش‌گران این عرصه را زندانی و دستگیر می‌کنند، غرفه‌هاشان را به هم می‌ریزند؛ در جایی دیگر، اقبال مسیح را در سن دوازده سالگی می‌کشند؛ و در جایی نیز به جان کایلاش ساتیراتی سوء قصد می‌کنند و فعالان «گلوبال مارش» را به گلوله می‌بندند. این مصایب اما در مقابل کشیدن شیره جان‌های کوچک و آینده‌ای آکنده از رنج و محنت و بی‌حقوقی و فقر بیشتر آنان، و تحمیل سخت‌ترین شرایط زندگی به اکثریت آحاد جامعه، کم رنگ جلوه می‌کند و نهایتاً بها و هزینه‌ای است که هر جنبش اجتماعی برای تغییر وضعیت اجتماعی و بهبود آن پرداخته و می‌پردازد.

کار کودکان نه تنها نانی بر سر سفره نمی‌آورد، بلکه به ضعیف شدن و آسیب دیدن کودکان و بیکاری بیشتر جوانان و والدین می‌انجامد و به آسیب‌های اجتماعی از قبیل بزهکاری، اعتیاد و فحشاء میدان می‌دهد؛ از میزان سواد جامعه، با ترک تحصیل و یا عدم امکان تحصیل کودکان، می‌کاهد و نسل‌های بعدی را هم در این دور تسلسل و سیکل شوربختی به‌دوران وا می‌دارد؛ اما کودکان «امروزند» و صدای‌شان فرداست! برای همین امروز آنها باید کاری کرد. از حق کودکی‌شان می‌باید دفاع کرد. در این دنیای واویلا، بناء به آمار رسمی سازمان‌هایی از جمله سازمان جهانی کار و یونیسف، فقط و فقط صد و هفتاد و دو میلیون کودک در کارخانجات مواد خطرناک شیمیایی و کارگاه‌ها و کارخانه‌های جانبی آن مشغول به کارند و از هر شش کودک، یک کودک خارج از چرخه تحصیل قرار دارد.

کار کودک، به مثابه آلت‌رناتیو کار بزرگسالان، فقط محدود به کشورهای در حال رشد نیست؛ پدیده‌ای جهانی است و مُد روز. به ویژه، پس از بحران اخیر سرمایه‌داری که ما می‌باید توانش را پس بدهیم! یک صدا و یک پارچه، علیه بهره‌کشی از جان‌های کوچک، فریاد اعتراض‌مان را بلند کنیم و دست‌هایمان را برای لغو کار کودک - به مثابه امری ممکن و شدنی - همین امروز به هم دهیم.

سوسن بهار

دوازدهم ژوئن ۲۰۱۱

www.darvag.com